

استنباط‌های رهبری آموزشی مبتنی بر شناخت خدا و انسان در تفسیر المیزان علامه طباطبایی

غلامرضا دانشی*^۱، مهدی لسانی^۲، سیدحمیدرضا علوی^۳، مسعود اخلاقی^۴
تاریخ دریافت: ۱۸/۰۴/۹۶ صص ۲۰۸-۱۹۳ تاریخ پذیرش: ۰۶/۰۹/۹۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارتقا و گسترش نظریه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، به ارائه‌ی اقتضانات رهبری آموزشی از طریق شناخت ویژگی‌ها و صفات خدا و انسان در این حوزه‌ی خطیر، می‌پردازد. راهبرد این پژوهش کیفی برای ارائه‌ی استنباط‌های رهبری آموزشی، تحلیل مضمون آیات مربوط به صفات خدا در حیطه‌ی هدایت و تکامل بشر و همینطور آیات ارائه شده در باب چگونگی رهبری پیامبر در جهت سوق افراد به سوی این هدف عالی است. بنابراین که تفسیر المیزان یکی از کامل‌ترین تفاسیر ارائه شده از قرآن محسوب می‌گردد، آرا علامه طباطبایی در این تفسیر، به عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین منبع گردآوری داده‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و سپس داده‌های جمع‌آوری شده با روشی استنباطی مورد تجزیه و تحلیل واقع شد. نتایج بررسی‌ها دربرگیرنده نکاتی ناب و کاربردی در حوزه مدیریت آموزشی بود. براساس استنباط‌های مبتنی بر خدا شناسی، رهبر آموزشی باید بدانند که به واسطه روح الهی دمیده شده در انسان، خداوند امکان پرورش صفات خود را نیز در وجود انسان قرار داده است که با تقویت آن‌ها می‌توان در رهبری آموزشی نیز از آن‌ها بهره برد. صفاتی مانند علیم و قیوم از جمله‌ی این صفات است که به ترتیب بیانگر لزوم تسلط علمی و تخصصی مدیر، تدبیر و توانایی مدیریتی وی و در نهایت آگاهی و هوشیاری وی نسبت به مسائل مبتلی به است. صفات رزاق و رب مقتضی تلاش برای بهبود توان مالی و پرورش فکری فراگیران بوده و صفت رحیم ایجاب می‌نماید که نسبت به آن‌ها تا حد امکان مهربان باشد. از مطالعات درحوزه انسان‌شناسی نیز، لزوم برخورداری رهبر آموزشی از ویژگی‌هایی چون ایمان، عمل صالح، محبت، مشورت، توکل، اعتدال، عدالت و مساوات و همینطور استقامت و پایداری استنباط می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: رهبری آموزشی، خداشناسی، انسان شناسی، تفسیر المیزان.

^۱ - دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه شهیدباهنر کرمان

^۲ - نویسنده مسول، دانشیار، مسول بخش علوم تربیتی دانشگاه شهیدباهنر کرمان

^۳ - استاد بخش علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

^۴ - استادیار بخش علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

*- نویسنده مسئول مقاله: gholamrezadaneshi@gmail.com

مقدمه

در نظریه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی رهبر آموزشی باید یک جوینده و دهنده‌ی دائمی دانش باشد، حقیقت را پیدا کند و مسئول هدایت از طریق دانش طبق سنت پیامبر (ص) باشد. «یک رهبر آموزشی از دیدگاه اسلامی کسی است که خود به چیزی که یاد می‌دهد عمل کند، بنابراین حلقه اتصالی بین تئوری و عمل ایجاد می‌شود» (Majdfar, 2016, p43).

آنچه در بحث رهبری اسلامی مطرح است حاکم بودن ارزش‌های اسلامی و معیارهای الهی بر رهبری در کنار بهره‌مندی از چارچوب‌ها و ساختارهای علمی رهبری می‌باشد؛ یعنی اگر علم رهبری آموزشی برای داد‌های خود از احکام، راهکارها و ارزش‌های اسلامی بهره‌مند گردد، به موفقیت حقیقی خود دست خواهد یافت. در واقع به نظر می‌رسد که رهبر آموزشی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام است که زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان‌ها را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح کلان (جامعه) و چه در سطح سازمان‌ها مصداق دارد. تغییر نوع نگاه به انسان‌ها در سازمان از یک منبع در کنار دیگر منابع سازمانی، به یک سرمایه ارزشمندی که با پرورش آن الزامات خلاقیت و نوآوری در سازمان فراهم خواهد شد نمونه‌ای از تاثیرات این نظریه است هرچند مطالعات انسان‌شناسی، بعضی از صاحب‌نظران غربی را نیز متوجه این امر کرده است که در تحلیل‌های «مهندسی انسانی» انسان را تنها به عنوان یک عامل صرف محسوب نکنند. مضاف بر اینکه، این امر با به کارگیری اصولی که در علم رهبری از نظر صاحب‌نظران غربی ارائه شده است، منافاتی ندارد. منتها اگر سازمان‌ها بخواهند اهداف و مأموریت خود را تنها در دستیابی به منافع کمی مادی تعریف کنند، به مرور زمان پس از دستیابی نسبی به آنها، دیگر برای ادامه فعالیت سازمان و فلسفه وجودی خود دچار تردید خواهند شد (Hopkins, 2016, p48).

همین نظریه باعث گردیده است که آموزش و پرورش در حکومت‌های اسلامی ابزاری برای توسعه نگرش افراد، مطابق با ارزش‌های دینی برای کمک به ساخت یک جامعه‌ی دینی محسوب می‌شود. «الزام سیاسی برای تأیید هویت اسلامی معلمان در جهت اهداف قانونی، مسئله پیش روی کشورهای اسلامی است و این امر باعث حفظ وجوه تشابه معینی در بین جوامع اسلامی شده است» (Mahdavi, 2014, p25). در این خط‌مشی دستورالعمل‌های خاصی برای آموزش کارکنان (معلمان و رهبران) که همانا مسئول نشر اصول اساسی اسلام هستند وجود دارد. شکل استخدام برای آن‌ها، بهره‌مندی از دانش بنیادی اسلامی، توانایی قرائت قرآن و اعمال مذهبی و برخورداری از ارزش‌های اخلاقی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

لکن نقص در تحقیقات و سو مدیریت ها موجب گردیده است که هنوز این هدف عالی به طور همه جانبه محقق نگردد. و شاهد کاستی های بسیاری در این خصوص باشیم. حال که «ما می‌خواهیم رهبران ارزشمندی را برای سازمان تعریف کنیم که با توجه به فلسفه وجودی و رسالت هر سازمان، آن را به موفقیت‌های منحصر بفرد و متعالی در زمینه رشد و توسعه نیروی انسانی برسانند. یکی از مهمترین روش‌ها در این زمینه، مطالعه و تحقیق در جهت دستیابی به هدف مذکور می باشد (Shoon, 2013, p60). به عبارت دقیق تر بهتر است که قبل از هر چیز منابع اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته و تمامی آنچه که برای رسیدن به این هدف والا لازم است استخراج گردد و به صورت مدون تعریف گردد تا فراروی راه رهبران آموزشی و مقامات مسئول در پرورش چنین اشخاصی قرار بگیرد.

از منظر دینی، خداوند اولین رهبر آموزشی است که از طریق پیامبران و کتاب‌های آسمانی خویش به تعلیم و تربیت انسان ها می‌پردازد و پس از او این وظیفه خطیر بر عهده پیامبران و امامان و ناصحان قرار دارد؛ لذا بررسی و شناخت اوصاف و افعال خداوند در اجرای این امر و همینطور مطالعه نحوه عملکرد پیامبران و فرامین الهی به ایشان در راستا رساندن پیام الهی به انسان و به کامل رسانیدن آن ها، اولین و مهم ترین گام در جهت دستیابی به اصول مدیریت و رهبری آموزشی و پرورش مدیرانی است که با توجه به فلسفه وجودی و رسالت هر سازمان، آن را به موفقیت‌های منحصر به فرد و متعالی در زمینه‌ی رشد و توسعه نیروی انسانی برسانند. چنین رویکردی موجب مطرح شدن دو سوال اساسی می‌گردد که این پژوهش در گی پاسخگویی به آن ها است: ۱- استنباط های رهبری آموزشی مبتنی بر شناخت خداوند کدام است ؟ ۲- استنباط های رهبری آموزشی مبتنی بر شناخت پیامبران و عملکرد ایشان کدام است ؛ که البته با توجه به ماهیت مستقل پیامبر از خداوند و انسان بودن وی می‌تواند ای سوال تحت عنوان استنباط های رهبری آموزشی مبتنی بر انسان شناسی مطرح نمود.

با توجه به اینکه قرآن همواره به عنوان اصلی ترین و ابتدایی ترین منبع، در میان تمام منابع متعدد و البته غنی اسلامی شناخته میشود لذا ما نیز در پژوهش پیش رودر جهت فتح باب این سخن، قرآن را به عنوان منبع مطالعه برگزیدیم لکن به دلیل اینکه دریافت استنباط‌های رهبری آموزشی قرآن مستلزم آشنایی و دسترسی به عمق مفاهیم و آیات قرآنی است، تفسیر المیزان علامه طباطبایی از قرآن کریم را به عنوان منبع پژوهش برگزیدیم.

لذا سئوالهای پژوهش به شرح ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱ - استنباط های رهبری آموزشی مبتنی بر خدا شناسی در تفسیر المیزان علامه طباطبایی کدامند ؟

۲ - استنباط های رهبری آموزشی مبتنی بر انسان شناسی در تفسیر المیزان علامه طباطبایی کدامند؟

در گفتار نخست، با بررسی نظرات علامه طباطبایی نسبت به آیات مربوط به صفاتی از خداوند که رابطه‌ی مستقیمی با رهبری آموزشی و تعلیم و تربیت دارد و بیان آن‌ها و شرح تاثیر ایشان در رهبری آموزشی، به پاسخگویی به سوال اول همت نهادیم و در گفتار دوم سعی نمودیم که با ارائه‌ی ویژگی‌ها و اخلاقیات رسول اکرم و پیامبران الهی در عرصه‌ی هدایتگری بشر، مستخرج از تفسیر المیزان از آیات قرآن، به سوال دوم پاسخ دهیم.

پیشینه پژوهش

هرچند در طی تحقیقاتی محدود و موردی کارکردهای مدیریتی برخی از آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته شده است اما بررسی جامع استنباطها و اصول رهبری آموزش با تفکیک مباحث مربوط به خداشناسی و انسان شناسی مبحث نابی است که "تاکید بر نظریات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان" بر سطح تازگی آن می‌افزاید ولی باین حال پایان نامه‌ها و مقالاتی که در وجوهی با عنوان پژوهش حاضر مشابه باشند وجود دارد که در ادامه برای ورود به بحث به ارائه‌ی خلاصه‌ای از آن‌ها می‌پردازیم:

غزنوی (۱۳۹۰) در پایان نامه با موضوع «بررسی دیدگاه هستی‌شناسی علامه طباطبایی و آموزه‌های تربیتی آن» در دانشگاه آزاد تهران. هدف این پژوهش مطالعه دیدگاه فلسفی علامه در مورد ابعاد هستی و آموزه‌های تربیتی آن در خصوص عناصر تعلیم و تربیت بوده است. روش این پژوهش کیفی و براساس نگرش اسمیت مبنی بر آموزه‌های تربیتی از فلسفه خاص شکل گرفته است. پژوهشگر با این دیدگاه که بین فلسفه و تعلیم و تربیت رابطه وجود دارد، به تبیین و استخراج و آموزه‌های تربیتی هستی‌شناسی فلسفی پرداخته است. در این پایان نامه ضمن تبیین دیدگاه هستی‌شناسی علامه یعنی رویکرد فلسفی که روش شناختی آن حاصل شناخت سه گانه خدا، انسان و جهان است، با تشریح مقوله‌های مطرح در حوزه نگرش هستی‌شناسی مدنظر علامه طباطبایی، مدیریت مرتبط این مباحث، به صورت یک چارچوب پیشنهادی در قالب اهداف، برنامه‌ها و روش‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

نظری (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «شناسایی آموزه‌های اسلامی کارکنان بر اساس مبانی معرفت و هستی‌شناسی و کشف ابعاد و اصول حاکم بر نظام مدیریت اسلامی» با رویکرد کیفی و با استفاده از روش گونه شناسی در جهت تعالی کارکنان با استفاده از ۲۱۵۰ آیه و

۴۱۵۰ مضمون مرتبط با آن‌ها، مفهوم پردازی کرده است. نتیجه عبارت است از اینکه از آموزه‌های اسلامی تعالی بخش کارکنان، در عرض رویکرد سنتی، تدریجی و مثبت است. همچنین، انضباط آموزه‌های اسلامی کارکنان منبعث از میانی معرفت‌شناسی وهستی‌شناسی اسلامی دانسته شده که بر اساس اصول در ابعاد بصری، ایمان و اخلاق، افراد، تربیت، قانون و مقررات، نظام تشویق و تنبیه، فرهنگ و جامعه بنا نهاده شده است. براساس این پژوهش آموزه‌های اسلامی تعالی بخش کارکنان بر مقولاتی همچون فطری بودن تمایل انسان به نظم و انضباط، وجود نظم و غایت‌مداری در عالم هستی و هم‌نوایی نظام‌های قانونگذاری و تشریح، با قانون خلقت و فطرت مرتبط است. اصول برآمده با توجه به آیات قرآن بر اساس «تفسیر المیزان طبقه بندی شده است.

اسدی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود تحت عنوان «طراحی و تبیین مدل توسعه یافته رهبری اصیل مبتنی بر دیدگاه علامه طباطبایی با عنوان نظریه رهبری اصیل به عنوان آخرین نظریه رهبری» بر ابعاد روانشناختی رهبر و پیروان و بافتی که در آن فعالیت دارند تمرکز دارد. اساس این نظریه بر دو بعد روانشناختی خودآگاهی و خودتنظیمی رهبر استوار است که به نام فرآیند توسعه فردی رهبر معرفی شده است. بنابراین نظریه، خودآگاهی پایه رهبری اصیل است و دربرگیرنده ی مؤلفه‌های ۱- ارزش‌ها ۲- شناخت در مورد هویت ۳- عواطف ۴- اهداف و انگیزه‌ها است. همچنین خود تنظیمی فرآیندی است که از طریق آن رهبران اصیل ارزش‌های خود را با اهداف و عملکرشان تنظیم می‌کنند و به منظور هدایت کارکنان استانداردها و اهداف خود را به آن‌ها ارائه می‌کند.

روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی است و برای رسیدن به اهداف از روش تحلیلی و اسنادی استفاده شده است؛ شیوه تحلیلی در پی آن است تا شرح روشن و واضحی از یک موضوع در اختیار گذارد.

گردآوری اطلاعات به صورت فیش برداری بوده است؛ بدین طریق که ابتدا منابع مورد نظر به طور دقیق مورد مطالعه قرار گرفت سپس فیش برداری های لازم صورت گرفته است. پس از اتمام این مرحله فیش های تهیه شده طبقه بندی و به هم مرتبط گردیده است و مطالب از فیش ها استخراج و بازنویسی شد و با سایر مطالب جمع آوری شده مورد بحث، تبیین و تفسیر قرار گرفته است. روش گردآوری اطلاعات، عمدتاً به صورت کتابخانه‌ای بوده

است. جهت گردآوری اطلاعات پیرامون موضوع، ابتدا مطالعه کتاب، مقاله، پایان نامه و دیگر آثار مکتوب در راستای پاسخ گویی به سئوالات پژوهش انجام شده و در پایان، نگارش مطالب و تدوین نهایی صورت گرفته است.

یافته‌های کیفی پژوهش

۱- استنباط‌های رهبری آموزشی مبتنی بر شناخت خدا در تفسیرالمیزان

درمبحث خدانشناسی مهمترین موضوع صفات خداوند است. بدلیل اینکه انسان خلیفه خداوند در روی زمین است و ذره‌ای از روح خدا در او دمیده شده است، این توانایی را دارد به میزان وسیع از تعدادی از صفات خداوند بهره گیرد. لذا در این مبحث ابتدا صفاتی از خداوند که در موضوع رهبری آموزشی کارکرد دارد، بر اساس نظریات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، همراه با آیات استنادی آن‌ها در قرآن کریم مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و سپس در قسمت بحث نتیجه گیری استنباط‌ها رهبری آموزشی از این صفات ارائه خواهد شد.

علیم: از برجسته ترین صفاتی که قرآن برای ذات «الله» قائل است، علم نامحدود و بی کران الهی می‌باشد که بر همه حقیقت (غیب و شهود) احاطه دارد (رعد: ۹). این صفت از ضروریات صفت خالقیت، حکمت، عدالت و داوری خداوند است که البته مقتضای هدایت‌گری و رهبری وی نیز به شمارمی‌رود. لذا آن را مقدم بر «صفات افعال» الهی می‌دانند. «بیشترین واژه‌ای که قرآن برای بیان این صفت الهی بکار برده، کلمه «علیم» است (مانند بقره: ۳۲). چنانکه در قرآن بیش از ۱۵۶ بار برای توصیف عالم بودن «الله» از آن استفاده شده است. این کلمه از لحاظ صرفی صیغه مبالغه و به معنی کسی است که «بسیار دانا» است. در مواردی محدود (۴ بار) نیز از واژه «علاّم» یعنی «بسیار بسیار دانا» استفاده گردیده است که حکایت از وسعت و صحت علم الهی به حقایق دارد» (Tabatabaei, 1988, 2nd vol, p193).

رب: با توجه به دیدگاه علامه در فرهنگ قرآنی، «الله» تنها خالق هستی نیست، بلکه مُتکفّل مخلوقات و پرورش دهنده آن نیز می‌باشد. «روند حیات موجودات رو به توسعه و رشد است و خداوند با بخشیدن «تقدیر» به جمادات (یس: ۴۰-۳۷) و «غرایز» به حیوانات (نحل: ۶۸ و ۶۹) و «فطرت» به انسان‌ها (روم: ۳۰) آن‌ها را به سوی سعادت و توسعه سوق می‌دهد» (بقره: ۲۵۷) (Tabatabaei, 1988, vol 1st, p 125).

رزاق : «الله» خداوندی آگاه و دست و دل باز است (نور: ۳۲) فضل او بسیار بزرگ و عظیم است (بقره: ۱۰۵) «او به لطف الهی خود در پی خلقت موجودات، بقای حیات و رزق آن‌ها را نیز به عهد داشته و البته او تنها توانا بر ارتزاق موجودات است.» (Tabatabaei, 1988, 2nd vol, p382) همین امر موجب گردیده که (خداوند) بهترین «سرپرست» و بهترین «یاور» باشد. (انفال: ۴۰)

قیوم: عالم هستی با این همه دگرگونی آن، به ناظمی هشیار و توانا نیاز دارد و گرنه جهان به آبی بر هم می‌ریزد و فاسد می‌شود (انبیاء: ۲۲). خداوند زنده و «قیوم» است (بقره: ۲۵۵) و تجلی این قیومیت (پایندگی) حفظ حیات و بقای عالم هستی و موجودات می‌باشد. او حافظ هستی است.

رحمان: در بین این صفات، شاید برترین صفتی که خداوند برای خود برگزیده است «مهربانی» باشد. چنانکه آیات متعددی از قرآن با اشاره به صفات لطف خداوندی، همچون «رَحْمَان» و «رَحِيم»، «حُب» و «رَنُفْت»، «عَف» و «عُفُور»، بیان مؤکدی در تبیین تجلی ذات مطلقاً «خیر» الله دارند. این گونه آیات در سراسر قرآن به چشم می‌خورد. «آن‌ها آیاتی هستند که ناامیدی و یأس که عاملی بر رخوت و تباهی انسان است را نهی نموده و درعوض رجاء و امید به رحمت خداوند را به ارمغان می‌آورند. امیدی که نشاط لازم را برای ادامه زندگی و طی کمالی که قرآن برای انسان تبیین می‌نموده، ایجاد می‌نماید» (Tabatabaei, 1988, 2nd vol, p87).

نصیر: «نصیر» از ماده «نصر» به معنی عون و کمک گرفته شده است، تفاوتی که با ناصر دارد، این است که «نصیر» دلالت بر مبالغه می‌کند و یکی از مظاهر این صفت این است که رسولان و مؤمنان را در همین جهان کمک می‌کند چنان که می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱). «ما رسولان و مؤمنان را در زندگی دنیا کمک می‌کنیم». همچنین است آیات دیگر که از یاری کردن خدا در جنگ‌ها و نبردها گزارش می‌دهند. «می‌توان گفت خدا همه بندگان را کمک می‌کند؛ ولی برخی از آن‌ها مؤمن و سپاسگزار و برخی دیگر کافر و نعمت نشناسند.» (Tabatabaei, 1988, 4th vol, p83)

۲- استنباط‌های رهبری آموزشی مبتنی بر انسان شناسی در تفسیر المیزان

انسان نقش‌های متعددی را در زندگی عهده دار می‌شود. یکی از این نقش‌ها رهبری است. یکی از وظایف اصلی رهبری هدایت که به معنای جهت بخشی و سوق دادن به سوی هدف از پیش ترسیم شده است؛ اما «عهده‌ای رهبری را فرایند «نفوذ» و «هدایت» می‌نامند؛

نفوذ در کارکنان و زیردستان و هدایت آن‌ها به سوی هدف سازمان. لذا رهبری بر هدایت دلالت تضمینی دارد و معنای آن را نیز می‌رساند. بنابراین رهبری از هدایت و هماهنگی عام تر است. رهبری مرکب از دو کارکرد اصلی «نفوذ» و «هدایت» است. (Tabatabaei, 1988, 14th vol, p154)

این گونه هدایت، مخصوص انسان می‌باشد؛ زیرا تشریح و قانون گذاری در ظرف اختیار و توان کنش‌های انتخابی موضوعیت دارد و بدون آن بی‌معناست. چنین هدایتی نیز از نظر قرآن، فراگیر و همگانی است؛ یعنی «خداوند، پیامبران را برای تمامی انسان‌ها فرستاده و کتاب آسمانی خود را برای همه بشر نازل فرموده است: «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (رعد: ۷)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبا: ۲۸) در برابر این گونه هدایت هیچ ضلالتی نیست و از او جز سخن حق نازل نمی‌گردد» (Tabatabaei, 1988, 14th vol, p154). لذا در این مبحث با نظر بر نظریات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ویژگی‌ها و توانایی‌هایی که پیامبران الهی توسط آن‌ها در دل‌های مردم نفوذ کرده ایشان را هدایت می‌نمودند مطرح می‌کنیم.

ایمان: «ایمان» از عوامل اصلی پدیداری «محبت» و «نفوذ» است. «ایمان عبارت است از جاگیر شدن اعتقاد در قلب است، گویا اینکه شخصی با ایمان، به کسی که به درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد یافته، امنیت می‌دهد؛ یعنی آن چنان دلگرمی و اطمینان می‌دهد که فرد هرگز در اعتقاد خود دچار تردید نمی‌شود» (Tabatabaei, 1988, 1st vol, p73).

قرآن کریم درباره ارتباط مستقیم ایمان رهبر با ایمان پیروان می‌فرماید:

أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفِرُّ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ .

پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و همه مومنان نیز به خدا، فرشتگان او، کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده و می‌گویند: ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم و به همه ایمان داریم، و مومنان گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا انتظار آموزش تو را داریم و بازگشت ما به سوی توست». (آل عمران: ۲۸۵)

«در این آیه تعلق ایمان بعد از خدا، به «فرشتگان، کتاب‌های آسمانی و فرستادگان» اوست که در حقیقت «قانون خدا» و «رهبری الهی» را نشان می‌دهد؛ یعنی ابتدا رهبر باید به خدا و قانون مدون او ایمان داشته باشد تا پیروان مورد ایمان قرار گیرند. بنابراین باید ابتدا مافوق

ایمان داشته باشد تا بدین ترتیب ایمان درسلسله مراتب سازمانی جاری گردد» (Tabatabaei, 1988, 3rd vol, p73).

به عقیده علامه از نشانه‌های ایمان، آگاهی در دین است و از علائم آگاهی در دین، بردباری و از نشانه‌های بردباری، مدارا نمودن با مردم است و از نشانه‌های مردم داری، نرم‌خویی و از نشانه‌های نرم‌خویی، آسان‌گیری و ملایمت است. این نشانه‌ها نقش ایمان در افزایش نفوذ رهبران را به راحتی بیان می‌کند. امام رضا (ع) از پدرانش نقل می‌کند که علی (ع) فرمود: «المؤمنُ هينَ لِينٍ سَمَحٍ خَلْقٍ حَسَنٍ وَ الْكَافِرُ فَظٌّ غَلِيظٌ لَهُ خَلْقٌ سَيِّئٌ وَ فِيهِ جَبْرِيَّةٌ.» «مومن نرم‌خو، خوش‌رفتار، با سخاوت و خوش اخلاق است، و کافر نیز خشن، تندخو، بداخلاق و متکبر است». اگر به همین نشانه‌های مومن بسنده کنیم، در می‌یابیم که بی‌تردید این ویژگی‌ها، صاحب آن را از محبوبیت و نفوذ کافی برخوردار می‌نماید که این خود منجر به رفتار سازمانی نافذ خواهد شد. بنابراین هر چه رهبر صفات کمال را در خود بیشتر کند، ایمان خودش بیشتر شده و در پی آن، ایمان پیروان نیز فزون‌تر می‌گردد. (Tabatabaei, 1988, 3rd vol, p74)

عمل صالح: از منظر قرآن کریم، دومین عامل نفوذ رهبر «عمل صالح» است. «عمل صالح از منظر قرآن مجموعه‌ای از تعالیم است که انبیا در قالب دین به انسان‌ها ابلاغ داشته‌اند. مانند انفاق، نماز، پرداخت زکات و هر عملی که از منظر عرف، عقل و شرع پسندیده باشد، عمل صالح به شمار می‌رود» (Tabatabaei, 1988, 2nd vol, p45). با توجه به اینکه ایمان واقعی مستوجب عمل است و بدون عمل، ایمان نیز منتفی خواهد بود، در قرآن عمل صالح همواره در کنار ایمان ذکر شده است.

نرم‌خویی و حسن خلق: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا!» «و به زبان خوش با مردم تکلم کنید!» (۸۳ / بقره)

معنای جمله این است که «به مردم سخن حسنه بگوئید!» و این تعبیر کنایه است از حسن معاشرت با مردم، چه کافرشان و چه مؤمنشان.

«هیچ منافاتی نیست در این که هم امر به حسن معاشرت کنند و هم در مقام تأدیب کسی دستور به خشونت دهند. در کافی از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که در تفسیر جمله نام‌برده فرموده: با مردم سخن بگوئید؛ اما بعد از آن که صلاح و فساد آن را تشخیص داده باشید و آن‌چه صلاح است بگوئید. و در کتاب معانی، از امام باقر علیه‌السلام روایت

شده که فرمود: «به مردم چیزی را بگوئید، که بهترین سخنی باشد که شما دوست می‌دارید به شما بگویند.» (Tabatabaei, 1988, 1st vol, p330)

مهربانی، مشورت و توکل: «فَیْمَا رَحْمَةُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا أَلْقَبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

«رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند، پس چون امت به نادانی درباره تو بد کنند از آنان درگذر و از خدا بر آنها طلب آموزش کن و برای دل‌جوئی آنان در کار جنگ مشورت نما، لیکن آنچه را که خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری می‌کند!» (آل عمران/۱۵۹)

در این آیه خطاب متوجه شخص رسول خدا (ص) و خطاب در اصل معنا و در حقیقت به عموم مسلمین است و می‌خواهد بفرماید: رسول ما به رحمتی از ناحیه ما نسبت به شما مهربان شده است و به همین جهت به او امر کردیم که از شما عفو کند و برایتان استغفار نماید و با شما در امور مشورت کند و وقتی تصمیمی گرفت بر ما توکل کند.

«جمله «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» که به یک لحن عطف بر مسأله عفو و مغفرت شده، خود شاهد بر این است که این دو امر، یعنی عفو و مغفرت در چارچوب ولایت و تدبیر امور عامه است، چون این گونه امور است که مشورت بر می‌دارد، نه احکام الهی. پس عفو و مغفرت هم، در همان امور اداری جامعه است.

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و چون خدای تعالی تو را به خاطر این که به او توکل کرده‌ای دوست می‌دارد در نتیجه ولی و یاور تو خواهد بود و درماندهات نخواهد گذاشت. به همین جهت که اثر توکل به خدا یاری و عدم خذلان است، دنبال این جمله فرمود: «إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ...» (۱۶۰ / آل عمران) و مؤمنین را هم دعوت کرد به توکل و فرمود: «اگر خدا شما را یاری کند کسی نیست که بر شما غلبه کند و اگر شما را درمانده گذارد کیست که بعد از خدا شما را یاری کند؟» آن‌گاه در آخر آیه با به‌کار بردن سبب توکل (که ایمان باشد)، مؤمنین را امر به توکل نموده و می‌فرماید: «وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ!» (۱۶۰ / آل عمران) یعنی مؤمنین به سبب این که ایمان به خدا دارند و ایمان دارند به این که ناصر و معینی جز او نیست باید فقط بر او توکل کنند» (Tabatabaei, 1988, 4th vol, p87).

اعتدال: «وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»،
 «و کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نورزند و میان این دو معتدل باشند.»
 (۶۷/فرقان)

کلمه انفاق به معنای بذل مال و صرف آن در رفع حوائج خویشتن و یا دیگران است و کلمه اسراف به معنای بیرون شدن از حد است؛ اما بیرون شدن از حد اعتدال به طرف زیاده‌روی و در خصوص مسأله انفاق، زیاده‌روی و تجاوز از حدی است که رعایت آن حد سزاوار و پسندیده است، در مقابل قُتْر که به معنای کم‌تر انفاق کردن است. کلمه قوام به معنای حد وسط و معتدل است.

«معنای آیه این است که: بندگان رحمان انفاق می‌کنند و انفاقشان همواره در حد وسط و میان اسراف و اقتار است: در آیه، دو طرف افراط و تفریط در انفاق را نفی کرده و ذیل آن، حد وسط در آن را اثبات نموده است» (Tabatabaei, 1988, 8th vol, p495).

مهرورزی و محبت: «مهرورزی در لغت به معنای محبت داشتن و اظهار علاقه کردن آمده است. این صفت از جمله ارزشمندترین صفات عالی انسانی است که انسان را به اوج عزت و عظمت می‌رساند. مهرورزی و مهربانی یکی از آثار ایمان است که بر اثر چشم‌داشت به رحمت پروردگار این حس در آدمی زنده می‌گردد. خداوند خود را به این صفت معرفی کرده و بر آن بالیده است: «هر کس از شما کار زشتی بر اثر جهالت انجام دهد و بعد توبه کند و کار خود را اصلاح نماید، خداوند درباره‌ی او آمرزنده و مهربان است» (Tabatabaei, 1988, 8th vol, p72).

قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) و پیروان آن حضرت را با وصف مهرورزی و رحمت و عطوفت نسبت به یکدیگر معرفی می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ ... رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، «محمد (ص) رسول خداست، و کسانی که با اویند... با یکدیگر مهربانی می‌کنند.» (فتح/۴۸).

عدالت و مساوات: آن حضرت مأمور برپایی قسط بود: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»، بگو پروردگارم به قسط فرمان داد. (اعراف/۲۹)

در تعریف عدالت گفته‌اند: «عدالت یعنی نهادن هر چیز در جای خود» و به فرمایش رسول گرامی اسلام (ص): «آسمان‌ها و زمین بر اساس عدل استوارند». پیامبر گرامی اسلام (ص) رسول عدالت و داعی به عبودیت بود، آن‌طور که خدا او را مأمور برپایی عدل کرده بود: «پس برای این به [دین اسلام] دعوت کن و همان‌گونه که دستور یافته‌ای، پایداری کن و از هوس‌های

آن‌ها پیروی مکن و بگو[من] به هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آورده‌ام و مأمور شده‌ام میان شما به عدالت حکم کنم.» (شوری / ۱۵) (Tabatabaei, 1988, 6th vol, p83).

بنابراین عدالت پیامبر نوری از عدل الهی بود که در وجود او تابیده بود، درخشش این نور در دنیای تاریخ جاهلیت تالکوی خاصی یافته و دنیا را خیره‌ی خود کرده بود. چنان که دوست و دشمن به نقش عدالت‌گستری پیامبر در زمانه‌ای که جور و بیداد تمام دنیا را گرفته بود، اعتراف دارند.

مقاومت و استقامت: یکی از معانی صبر مقاومت است. به تعبیر دیگر مقاومت یکی از آثار و جلوه‌های صبر است و صبر اعم از مقاومت تفسیر می‌شود. در ادبیات فارسی «صبر» و «مقاومت» ملازم هستند؛ ولی در اصل دایره‌ی صبر گسترده‌تر از مقاومت می‌باشد و معمولاً با هم استعمال می‌شوند. در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی شوری نیز خداوند خطاب به پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرماید: «وَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ»، آن‌گونه که مأمور شده‌ای، استقامت کن. «برخی مفسران عقیده دارند: «كَمَا أَمَرْتُ» «آن‌چنان که مأمور شده‌ای» ممکن است اشاره به مرحله‌ی عالی استقامت باشد و یا اشاره به این که استقامت هم از نظر کمیت، کیفیت و مدت و خصوصیات دیگر هم باید منطبق بر دستور الهی باشد» (Tabatabaei, 1988, 4th vol, p49).

بحث و نتیجه‌گیری

در مورد استنباط کاربردهای رهبری آموزشی از خداشناسی نظر به اینکه خداوند دارای صفات فراوانی است و با توجه به اینکه خداوند همه اسماء الهی را به انسان آموخته است. امکان کسب بسیاری از صفات خود را به میزان وسیع در وجود انسان قرار داده است. رهبر آموزشی با کسب این صفات، می‌تواند در انجام امور مربوط به مسئولیت خود از آن‌ها بهره‌گیری که خلاصه استنباطها بدین شرح است: قبل از هر چیز رهبر آموزشی باید در کارش متخصص و دانا باشد و این علم، هم علم مدیریت و هم علم و تخصص مربوط به حیطه کاری وی را شامل می‌گردد. همچنان که علم خداوند علمی نامتنهی است که فوق علم و دانش هرکسی بوده و هدف از تعلیم و تعلم نیز، بهره‌مندی از علم وی است، رهبر آموزشی نیز باید در حیطه کار خود از نهایت تخصص و دانش برخوردار باشد مضاف بر اینکه با توجه به هدف مدیریت آموزشی که همانا ارتقا سطح علمی و پرورش فکری و معنوی متعلمان است در این نوع از مدیریت، بهره‌مندی کامل رهبر از علم مربوطه ضروری است هر چند که بتوان در سایر انواع مدیریت، بهره‌مندی صرف از علم مدیریت را کافی دانست. چنان که اشاره گردید لازم است که رهبر آموزشی در ضمن آموزش متعلمان، مربی و پرورش دهنده آن‌ها نیز باشد. به

عبارت دیگر تحقق هدف والا از تعلیم و تربیت اسلامی و رهبری آموزشی دینی که همانا تکامل و تعالی نیروی انسانی است، درگرو رهبرانی است که علاوه بر آموزش محتوا به فکر پرورش قوای فکری و الهی فراگیران نیز هستند.

با توجه به ویژگی رزاقیت خداوند رهبر آموزشی باید زیر دستان خود را تا آنجا که امکان دارد از امکانات دنیایی بهره‌مند سازد و به عنوان رهبر به فکر بهبود و تقویت توان مادی پرسنل زیر دست باشد. وی باید منعم(فزونی بخش) باشد؛ یعنی بازخوردهایش افزون تر و بهتر از رفتار زیر دستانش باشد.

در مورد صفت قیوم، رهبر آموزشی باید نسبت به محیط کار و فراگیران هشیار و توانا باشد تا نظم سیستم کاری دچار اختلال نشود. این صفت که یکی از مهم‌ترین صفات در هر مدیری محسوب می‌شود، مستلزم اطلاع و احاطه رهبر نسبت به تمام امور مبتلی به است.

همان‌گونه که بارزترین صفت خداوند رحمت و مهربانی است، برخورداری از این صفت والا، لازمه‌ی هر انسان و بالتبع رهبران خاصه رهبران آموزشی است چه اینکه تنها ضمانت تمایل فراگیران به سمت تعلم و راهنمایی، شوق دانستن و تعالی است، حال اگر با بدخلقی و بدرفتاری چنین تمایلی از دست برود دیگر به هیچ طریق دیگری نمی‌توان رهبری آموزشی و تعلیم و تربیت را محقق ساخت.

در نهایت و در تکمیل همین مهربانی و عطف لازم است که رهبر آموزشی نصیر نیز باشد به این معنا که به فراگیران در امر آموزش و تعالی کمک برساند و وظیفه‌ی خود را چیزی بیش از مدیریت و رهبری بداند. او باید خود را یاور و کمک دهنده فراگیران معرفی نماید.

با توجه به موضوع مقاله در ذیل استنباط‌هایی از صفات خدا در امر رهبری آموزشی، آیات بیانگر نحوه عملکرد پیامبر نیز در هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و تعالی نیز بیان شده است تا رهبران آموزشی با استنباط از این صفات راهکارهایی در جهت پیشبرد اهداف تعلیم و تربیت ابداع نمایند. اولین صفت صالح بودن رهبر آموزشی است که خود در گرو ایمان وی به خدای تعالی و نیرویی مافوق بشری است، چراکه رهبری که در دل به خدا ایمان داشته باشد نه تنها در انجام وظایف کوتاهی نمی‌کند بلکه صالح و خیرخواه نیز هست. رهبر آموزشی باید بداند که وی مسئولیت هدایت زیر دستان را بر عهده دارد و در اجرای این مسئولیت نباید از زور و اجبار استفاده کند، بلکه با نفوذ در دل زیردستان مسئولیت هدایت را انجام دهد و نفوذ در پیروان با داشتن دو شرط ایمان و تقوای رهبر انجام می‌گیرد. رهبر آموزشی باید توجه داشته باشد که برای اینکه ویژگی‌ها و صفات مثبتش در کار و به روی پیروانش تاثیرگذار باشد، باید نمودهای رفتاری و عملی داشته باشد. بطورمثال، رهبر باید نرم خو، خوش رفتار، با سخاوت

و خوش اخلاق بوده و عامل به عمل صالح مانند انفاق، نماز و پرداخت زکات باشد. رهبر آموزشی باید با زیر دستان و فراگیران با زبان خوش ارتباط برقرار سازد و از خشونت و تندی پرهیز کند چراکه نرم‌خویی عامل جذب و موفقیت و تندخویی باعث دوری و شکست در امور است. بدیهی است که مهربانی و خوش قلبی وی نیز در این راستا نقش قابل توجهی را دارد چنانکه در بحث استنباط‌های رهبری آموزشی مبتنی بر خدانشناسی نیز بر آن تاکید گردید.

لازم است رهبر آموزشی در انجام امور با فراگیران مشورت نماید، نظر آن‌ها را جویا شده و به عبارتی از عقل و خرد جمعی بهره‌گیری و پس از طی این مراحل و با تفکر تصمیم بگیرد و آنگاه بر خدا توکل نماید. چه اینکه زمانی که فراگیران، احساس کنند که نظر و رای ایشان در امر آموزش دخیل است از یک سو توجه بیشتری نسبت به تحصیل و تعلیم مبذول می‌دارند و از سوی دیگر از کارشکنی، تنبلی و کاستی پرهیز می‌نمایند. از آنجایی که در نهایت تصمیم‌گیرنده نهایی خود رهبر بوده و نباید آرا و نظرات دیگران مانع از اجرای عمل ثواب گردد، قرآن بر لزوم تفکر و تصمیم‌گیری توسط خود رهبر تاکید می‌نماید.

رهبر آموزشی بایستی که در انجام امور از افراط و تفریط پرهیز کند و همیشه گرایش به حد وسط و اعتدال داشته باشد. این اعتدال در تمامی ابعاد و زمینه‌های مدیریت اعم از برنامه ریزی، سازمان‌دهی، تصمیم‌گیری، ارتباط با فراگیران، تشویق و تنبیه، خیرخواهی و... کاربرد دارد، ضمن اینکه اعتدال هیچ‌گاه به معنای قصور و بی‌توجهی نسبت به اصول و ارزش‌ها نیست.

مطالعه‌ی دقیق آیات ما را به یکی دیگر از صفات رهبر آموزشی نیکو رهنمون می‌سازد که عبارت است از عدالت و مساوات؛ به این معنا که چنانچه یکی از زیردستان و یا فراگیران از روی نادانی اشتباهی مرتکب شد رهبر با عدالت و مساوات با او برخورد کند، سیستم تشویق و تنبیه منطقی با خاصیت بازدارندگی لازم و ترغیب و تشویق مناسب که در امر مدیریت آموزشی بسیار مهم شمرده می‌شود، از مصادیق همین ویژگی است. مطالعه در این باب و تلاش در راه پرورش این صفت پسندیده در خود یک اصل اساسی در داشتن یک محیط آموزشی پیشرو و متعالی است.

نکته‌ی آخر که باید بر آن به عنوان یکی از ویژگی‌های ضروری در امر مدیریت و رهبری آموزشی تاکید نمود، برخورداری از استقامت و بردباری است. نه تنها یک مدیر آموزشی و بلکه هرمدیری و حتی هر انسانی در هر زمینه‌ای، ملزم است که پشتکار بالا و استقامت موثر داشته باشد و خستگی و دلسردی را هرگز به خود راه ندهد، چه اینکه راه ترقی و رسیدن به هدف، قرین با شکست، مشکلات و ناملازمات است؛ لذا جز با استقامت و تحمل نمی‌توان به مقصد رسید.

References:

- Amjadi ,Z.(2012). The study of Allamah Tabatabai's ontology implications and theirs comparison with Saadi's ideas. PHD thesis on Educational Sciences ,Tehran university
- Tabatabaei ,M.(1988).Almizan commentary of Quran (20 vol) (Musavi hamedani ,M) , Tehran ,Mohamadi
- Ghaznavi,A.(2011). Study of Allameh Tabataba'i's Ontological View and its Educational Teachings .M.S thesis on Educational Sciences ,Islamic Azad university of Tehran(s)
- Majdfar ,A(2013). , Principles of Management and Managers including theoretical and executive discussions in the management of education,Tehran,sorna
- Mahdavi,A.(2014). The position of educational managers from the perspective of Islam, the journal of Proceedings of Management Conferences in Educational Organizations ,vol 1,No 1,p25
- Nazari ,N.(2013). Identifying the Islamic teachings of the employees based on the foundations of knowledge and ontology and discovering the dimensions and principles governing the Islamic management system, Quarterly of management,vol1,No 172,p7
- Shoon, s. (۲۰۱۳). Islam and Knowledge of education: one perspective. Journal of the Faculty of Islamic & Arabic Studies of University of Peshawar, Vol 4, No 2, pp. 52-68.
- Hopkins , p. (20۱6). Western-centered perspectives on values and leadership, managing across cultures: issues and perspectives, Journal of Educational and leadership of London, vol 2, No 34, pp. 45-60.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی